



هدیه عربی زبان قرآن دهم

(علوم تجربی و ریاضی فیزیک)

از مجموعه مرشد

- ▲ درس نامه کامل
- ▲ پرسش‌های چهارگزینه‌ای (تألیفی و کنکور و مسابقات)
- ▲ پاسخ‌نامه تشریحی با نکته‌های کلیدی
- ▲ برای داوطلبان رشته‌های برتر دانشگاه‌های مشهور

خدیجه علیپور

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



به نام خداوند جان و خرد
کزین برتر اندیشه برنگذر

دانش آموزان گرامی

ورود شما را به دوره‌ی دوم متوسطه تبریک می‌گوییم. این دوره، شما را برای زندگی و کار در جامعه و تحصیل در دوره‌های بالاتر آماده می‌کند. اگر بگوییم آینده‌ی شغلی شما بستگی به موفقیت تحصیلی شما در این دوره‌ی سه ساله دارد، اغراق نکرده‌ایم. شما برای موفقیت در این دوره باید تلاش کنید و از مشاوران و معلمان و کتاب‌های مناسب برخوردار شوید.

ما در انتشارات مبتکران، بسیار خرسندیم که کتاب‌های عربی زبان قرآن هُدُود را در اختیار شما قرار می‌دهیم. این کتاب‌ها که از مجموعه کتاب‌های «مرشد» به حساب می‌آیند، موفقیت تحصیلی شما را تضمین می‌کنند. این مجموعه، برای دانش‌آموزانی به رشته‌ی تحریر در آمده است که مایلند در بهترین رشته‌های گروه‌های آزمایشی فنی مهندسی و پزشکی دانشگاه‌های به نام کشور تحصیل کنند. کتاب «عربی زبان قرآن دهم هدهد» شما را برای شرکت در امتحانات و آزمون‌های ورودی دانشگاه‌ها آماده می‌کند.

مؤلفان مجموعه‌ی هدهد پس از ارائه‌ی درسنامه‌ی جامع، بانک سؤال کاملی را در اختیار شما قرار می‌دهند که شامل پرسش‌های چهارگزینه‌ای کنکور و پرسش‌های تألیفی است. این پرسش‌ها براساس فصل‌ها و بخش‌های کتاب درسی طبقه‌بندی شده‌اند.

مطالعه پاسخننامه‌ی تشریحی همراه با نکته‌های کلیدی و آموزنده، موفقیت شما را تسهیل خواهد کرد.

در پایان، وظیفه‌ی خود می‌دانیم از مؤلف محترم این کتاب، سرکار خانم خدیجه علیپور و دبیر محترم مجموعه تشکر کنیم.

هم‌چنین از خانم‌ها لیلا مهرعلیپور و فرشته کلاهی حشمت که زحمت (حروفچینی) و خانم سمیرا عاشورلو (صفحه‌آرایی) کتاب را برعهده داشته‌اند و خانم بهاره خدای (گرافیک) بسیار ممنونیم و برای همه‌ی این عزیزان آرزوی موفقیت می‌کنیم.



٧	الدَّرْسُ الْأَوَّلُ مُرَاجَعَةُ دُرُوسِ الصَّفِّ السَّابِعِ وَالثَّامِنِ وَالتَّاسِعِ
٣٥	الدَّرْسُ الثَّانِي «الْمَوَاعِظُ الْعَدَدِيَّةُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ»
٥٥	الدَّرْسُ الثَّلَاثُ مَطَرُ السَّمَكِ
٧٣	الدَّرْسُ الرَّابِعُ التَّعَايُشُ السَّلْمِيُّ
٨٧	الدَّرْسُ الْخَامِسُ (هَذَا خَلَقَ اللَّهُ لِقْمَانَ ١١)
١٠٥	الدَّرْسُ السَّادِسُ «ذُو الْقَرْنَيْنِ»
١٢٣	الدَّرْسُ السَّابِعُ يَا مَنْ فِي الْبِحَارِ عَجَائِبُهُ.
١٣٩	الدَّرْسُ الثَّامِنُ صِنَاعَةُ التَّلْمِيْعِ فِي الْأَدَبِ الْفَارِسِيِّ



الدَّرْسُ الْأَوَّلُ

ترجمه درس اول

مراجعة دروس الصف السابع والثامن والتاسع

دوره درس‌های کلاس هفتم و هشتم و نهم



﴿ذَٰكَ هُوَ اللَّهُ﴾ (او همان خداست.)

۱. اُنْظُرْ لِنَيْلِكَ الشَّجَرَةَ / ذَاتِ الْعُصُونِ النَّضْرَةَ (به آن درخت با شاخه‌های تر و تازه نگاه کن.)
۲. كَيْفَ نَمَتَ مِنْ حَبِيَّةٍ / وَ كَيْفَ صَارَتْ شَجَرَةً (چگونه از دانه‌ای رشد کرد و چگونه درختی شد؟)
۳. فَابْحَثْ وَ قُلْ مَنْ ذَا الَّذِي / يَخْرِجُ مِنْهَا الثَّمَرَةَ (پس بگرد و بگو آن چه کسی است که از آن میوه بیرون می‌آورد؟)
۴. وَ اَنْظُرْ إِلَى الشَّمْسِ الَّتِي / جَذَوْتَهَا مُسْتَعْرَةً (و به خورشیدی که آتش آن فروزان است، بنگر.)
۵. فِيهَا ضِيَاءٌ وَ بِهَا / حَرَارَةٌ مُنْتَشِرَةٌ (در آن روشنایی است و به وسیله آن گرمایی پخش شده است.)
۶. مَنْ ذَا الَّذِي اَوْجَدَهَا / فِي الْجَوْثِ مِثْلَ الشَّرَرَةِ (چه کسی آن را در فضا همچون اخگر پدید آورد؟)
۷. ذَٰكَ هُوَ اللَّهُ الَّذِي / اَنْعَمَهُ مِنْهُمْ رَهُ (او همان خدایی است که نعمت‌هایش ریزان است.)
۸. ذُو حِكْمَةٍ بِاللَّعَةِ / وَ قُدْرَةٍ مُّقْتَدِرَهُ (صاحب حکمتی کامل و قدرتی باشکوه است.)
۹. اَنْظُرْ إِلَى اللَّيْلِ فَمَنْ / اَوْجَدَ فِيهِ قَمَرَهُ (به شب بنگر پس چه کسی ماهش را در آن پدید آورد؟)
۱۰. وَ زَانَهُ بِاَنْجُمٍ / كَالدَّرَرِ الْمُنْتَشِرَةِ (و آن را با ستارگانی همچون مرواریدهای پراکنده زینت داد.)
۱۱. وَ اَنْظُرْ إِلَى الْغَيْمِ فَمَنْ / اَنْزَلَ مِنْهُ مَطَرَهُ (و به ابر نگاه کن پس چه کسی از آن بارانش را فرو فرستاد؟)



حوارات (التعارف في مطار النجف الأشرف)

گفت وگوهای (آشنایی با همدیگر در فرودگاه نجف اشرف)

زائر مَرَقَدِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ
أَحَدَ الْمُوظَّفِينَ فِي قَاعَةِ الْمَطَارِ
السَّلَامَ عَلَيْكُمْ.

وَ عَلَيْكُمْ السَّلَامُ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ.

صَبَاحَ الْخَيْرِ يَا أَخِي.

صَبَاحَ النُّورِ وَ السُّرُورِ.

كَيْفَ حَالُكَ؟

أَنَا بِخَيْرٍ وَ كَيْفَ أَنْتَ؟

بِخَيْرٍ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ.

عَفْوًا مِنْ أَيْنَ أَنْتَ؟

أَنَا مِنَ الْجُمْهُورِيَّةِ الْإِسْلَامِيَّةِ الْإِيرَانِيَّةِ.

مَا اسْمُكَ الْكَرِيمُ؟

اسْمِي حُسَيْنٌ وَ مَا اسْمُكَ الْكَرِيمُ؟

اسْمِي عَبْدُ الرَّحْمَنِ

هَلْ سَافَرْتَ إِلَى إِيرَانَ حَتَّى الْآنَ؟

لَا؛ مَعَ الْأَسْفِ . لَكِنِّي أَحِبُّ أَنْ أُسَافِرَ.

إِنْ شَاءَ اللَّهُ تُسَافِرُ إِلَى إِيرَانَ!

إِنْ شَاءَ اللَّهُ. إِلَى اللَّقَاءِ مَعَ السَّلَامَةِ.

فِي أَمَانِ اللَّهِ.

فِي أَمَانِ اللَّهِ وَ حِفْظِهِ، يَا حَبِيبِي.

(زائر بارگاه امیرالمؤمنین علی علیه السلام)

(با یکی از کارمندان در سالن فرودگاه)

(سلام بر شما)

و سلام و رحمت خدا و برکات او بر شما باد.

(صبح بخیر ای برادرم)

(صبح با نور و شادی)

(حالت چطور است؟)

(من خوبم تو چطوری؟)

(خوبم و شکر خدا)

(ببخشید اهل کجایی؟)

(من از جمهوری اسلامی ایران هستم.)

(اسم شریف شما چیست؟)

(نام من حسین است و نام شریف شما چیست؟)

(نامم عبدالرحمان است.)

(آیا تاکنون به ایران سفر کرده‌ای؟)

(نه متأسفانه. اما دوست دارم که سفر کنم.)

(اگر خدا بخواهد به ایران سفر می‌کنی!)

(اگر خدا بخواهد؛ به امید دیدار؛ به سلامت)

(خداحافظ)

(خدا نگهدارتان . ای دوستم)



آموزش قواعد درس اول

(دوره سه ساله متوسطه اول)



اسم در زبان عربی از نظر جنس به مذکر و مؤنث تقسیم می‌شود.

☞ **مذکر:** اسم مذکر نشانه‌ای ندارد و بر جنس مذکر که شامل انسان یا حیوان و یا اشیاء می‌شود، دلالت می‌کند. مانند: (جَبَل، علی، بیت و ...)

☞ **مؤنث:** اسم مؤنث را با علامت (ة، ة) می‌شناسیم و بر جنس مؤنث که شامل انسان یا حیوان و یا اشیاء می‌شود، دلالت می‌کند. مانند: (فاطمة، وَرْدَة، غَزَالَة و ...)

◆ **نکته:** اسم مؤنث گاهی بدون علامت است و در معنا مؤنث به شمار می‌آید. مانند: «زینب، مَریم» و گاهی اسم‌های مذکر علامت مؤنث دارند ولی در معنا مذکر هستند. مانند: «طَلْحَة، مُعَاوِیَة»

تقسیم اسم از نظر عدد:



۱. **مفرد:** اسمی است که بر یک شخص یا یک چیز و یا یک حیوان دلالت کند. مانند: (طالِبَة، سُوق، کَلْب و ...)

۲. **مثنی:** اسمی است که بر دو شخص یا دو چیز دلالت نماید و با اضافه کردن «ان» و یا «ین» به آخر اسم مفرد (مذکر / مؤنث)، اسم مفرد را به اسم مثنی تبدیل می‌کنیم.

مانند: کتاب ← کتابان، کتابین / مانند: سَيَّارَة ← سَيَّارَتان، سَيَّارَتین

۳. **جمع:** اسمی است که بر بیش از دو شخص یا دو چیز دلالت می‌کند و بر سه قسم است:

۱. **جمع مذکر سالم:** جمعی است که با اضافه کردن «ون» و یا «ین» بر آخر اسم مفرد مذکر انسان یا صفت آن ساخته می‌شود.

مانند: معلّم (مفرد مذکر انسان) ← معلّمون، معلّمین

مانند: مؤمن (صفت انسان مذکر) ← مؤمنون، مؤمنین

۲. **جمع مؤنث سالم:** جمعی است که با افزودن «ات» بر آخر اسم مفرد مؤنث یا صفت آن به دست می‌آید.

مانند: طالِبَة (مفرد مؤنث انسان) ← طالبات

مانند: محجّبة (صفت انسان مؤنث) ← محجّبات

۳. **جمع مکسر:** جمعی است که با تغییر دادن و در هم شکستن اسم مفرد تشکیل می‌گردد و برای اسم‌های مذکر و مؤنث و انسان و غیر انسان به کار می‌رود و ساختن آن قاعده معین و قیاسی ندارد.

مانند: (طالِب، طالِبَة (طالب)، کُتِب (کتاب)، حَقَائِب (حَقِیْبَة)، أیّام (یوم)، فَوَاکِه (فاکِهَة)، ألوان (لون)، القِصص (قِصَّة)، عُیون (عین) و ...)

دقت کنید گاهی همیشه «ات» نشانه جمع مؤنث نمی‌تواند باشد و ممکن است که «ت» جزو حروف اصلی خود کلمه باشد.

مانند: (أموات ← مِیت / آبیات ← بیّت / أصوات ← صوت / أوقات ← وقت)



اسم‌های اشاره: برای اشاره به شخصی و یا چیزی از اسم‌های اشاره کمک می‌گیریم.

۱. اسم‌های اشاره به نزدیک:

هذا (مفرد مذکر: هذا جَبَلٌ (این کوه است)
 هذان (مثنی مذکر: هذان طالبانِ (این دو دانش‌آموز)
 هؤلاء (جمع مذکر / مؤنث: هؤلاء رجالٌ (این‌ها مردانی هستند).
 هذه (مفرد مؤنث: هذه مِنْضَةٌ (این میز است)
 هاتان (مثنی مؤنث: هاتان لَوّحَتانِ (این دو تابلو)
 هؤلاء نساءٌ: (این‌ها زنانی هستند).

۲. اسم‌های اشاره به دور:

ذَلِكَ (مفرد مذکر: ذَلِكَ كِتَابٌ.) (آن کتابی است).
 أولئك (برای جمع مذکر و جمع مؤنث هر دو به کار می‌رود).
 تِلْكَ (مفرد مؤنث: تِلْكَ سَفِينَةٌ (آن کشتی است).
 أولئك المعلمون: (آن معلم‌ها)، أولئك المعلمات: (آن معلم‌ها)

اسم‌های استفهام: (کلمات پرسشی)

۱. أ، هل (آیا) در جواب (أ، هل) از نَعَمْ (بله) لا (نه) استفاده می‌کنیم.
 ❖ مثال: هل هذا تلميذٌ؟ نعم، هذا تلميذٌ. (آیا این دانش‌آموز است؟ بله، این دانش‌آموز است).
 ❖ مثال: أهذه غزالةٌ؟ لا، هذه سفينةٌ. (آیا این آهو است؟ نه، این کشتی است).
۲. مَنْ (مَنْ هُوَ، مَنْ هِيَ) (چه کسی، کیست) (برای سؤال درباره انسان به کار می‌رود). اگر پرسیم او کیست می‌گوییم:
 ❖ مثال: «مَنْ هُوَ؟ هُوَ طَالِبٌ.» یا «مَنْ هِيَ؟ هِيَ طَالِبَةٌ.» (او چه کسی است؟ او دانش‌آموز است).
۳. لِمَنْ (مال چه کسی، مال چه کسانی) (درباره مالکیت سؤال می‌کند و در جواب آن از «لِ» (برای) استفاده می‌کنیم).
 ❖ مثال: «لِمَنْ هذا القميصُ؟ لِسَجَّاد.» (این پیراهن مال چه کسی است؟ برای سجّاد).
۴. ما (ما هُوَ، ما هِيَ) (چه چیزی، چیست، چه) (برای سؤال در مورد غیر انسان به کار می‌رود).
 ❖ مثال: «ما هذا؟ هذا قلمٌ.» یا «ما هذه؟ هذه رسالةٌ.» (این چیست؟ این مداد است، این چیست؟ این نامه است). «ما» به صورت «ماذا، ماهو، ماهی» نیز به کار می‌رود.
- ❖ مثال: ماذا في الحقيقة؟ (در کیف چه چیزی هست؟) / ما هو؟ ما هي؟ (آن چیست؟) / ما هي الحقيقة؟ (حقیقت چیست؟)
 ما هو الفعلُ؟ / (فعل چیست؟)
- ❖ نکته: (هو، هی) بعد از «ما» معنی نمی‌شود.



۵. این (کجا، کجاست) (کلمه «أَيْنَ» برای پرسش در مورد مکان به کار می‌رود).

در جواب «أَيْنَ»، از کلمات زیر استفاده می‌کنیم.

(فوق: بالا / تحت: زیر / أمام: مقابل / جنب: کنار / عند: نزد / حول: پیرامون / بین: میان / فی: در)

۶. مِنْ أَيْنَ (اهل کجایی، از کجایی) (برای این که پرسیم اهل کجایی؟ از «مِنْ أَيْنَ» استفاده می‌کنیم. مثال: مِنْ أَيْنَ أَنْتَ؟ أَنَا مِنْ مَشْهَدٍ، أَنَا مَشْهَدِيٌّ. (من از مشهد هستم، من مشهدی هستم.) (به دو شکل می‌توان پاسخ داد.)

۷. كَمْ (چند) در جواب «كَمْ» عدد می‌آید.

مثال: كَمْ قَلَمًا فِي الْمَحْفَظَةِ؟ ثَلَاثَةٌ أَقْلَامٍ. (چند مداد در کیف هست؟ سه مداد.)

مثال: كَمْ طَالِبَةً فِي الْمَكْتَبَةِ؟ خَمْسٌ طَالِبَاتٍ. (در کتابخانه چند دانش‌آموز است؟ پنج دانش‌آموز)

۸. كَيْفَ (چگونه، چطور) (در جواب «كَيْفَ» حالت‌ها می‌آیند.)

(مَسْرُورًا (شاد)، فَرَحًا (خوشحال)، ضَاحِكًا (خندان)، حَزِينَةً (غمگین)، بِسُرْعَةٍ (با سرعت)، بِهَدْوٍ (به آرامی) و...)

مثال: كَيْفَ تَذْهَبُ إِلَى الضِّيَافَةِ؟ أَذْهَبُ ضَاحِكًا. (چگونه به مهمانی می‌روی؟ خندان می‌روم.)

۹. مَتَى (چه وقتی) (درباره زمان انجام کاری پرسش می‌کند.)

در پاسخ «مَتَى» از کلماتی که بر زمان دلالت می‌کنند استفاده می‌کنیم.

مانند: (اليوم (امروز)، أمس (دیروز)، غداً (فردا)، صباح (صبح)، مساء (عصر)، نهار (روز)، ليل (شب)، قبل سنتين (دو سال پیش)،

بعد شهرين (دو ماه بعد)، في الشهر الماضي (در ماه گذشته)، في الساعة... (در ساعت... و...)

مثال: مَتَى ذَهَبْتُمْ إِلَى كَرْبَلَاءَ؟ ذَهَبْنَا قَبْلَ أُسْبُوعَيْنِ. (چه زمانی به کربلا رفتید؟ دو هفته قبل رفتیم.)

ضمیر: کلمه‌ای است که به جای اسم می‌نشیند تا از تکرار آن جلوگیری کند. مثال: عَلِيٌّ طَيِّبٌ. هُوَ فِي الْغُرْفَةِ.

(من (أنا)، تو (أنتَ (مذکر) أنتِ (مؤنث))، او (هُوَ (مذکر) هِيَ (مؤنث))، ما (نَحْنُ)، شما (أَنْتُمْ، أُنْتُمْ)، (جمع مذکر) أَنْتُمْ (جمع مؤنث)، (ایشان هُمَا، هُمَا (مثنی))، هُمْ (جمع مذکر) هُنَّ (جمع مؤنث)

(جمع مؤنث)

اقسام فعل:

۱. فعل ماضی: فعلی است که بر انجام دادن کاری در زمان گذشته دلالت می‌کند. (ذَهَبَ: رفت، جاء: آمد ...)

مثال: فعل ماضی با «ما» منفی می‌شود. «ما + جَلَسَ ← ما جَلَسَ (نشست)



ترجمه	فعل ماضی	نام صیغه به فارسی و عربی	
من شنیدم	أَنَا سَمِعْتُ	(متکلم وحده)	اول شخص مفرد
تو شنیدی	أَنْتَ سَمِعْتَ	مفرد مذکر مخاطب	دوم شخص مفرد
	أَنْتِ سَمِعْتِ	مفرد مؤنث مخاطب	
او شنید	هُوَ سَمِعَ	مفرد مذکر غائب	سوم شخص مفرد
	هِيَ سَمِعَتْ	مفرد مؤنث غائب	
ما شنیدیم	نَحْنُ سَمِعْنَا	متکلم مع الغیر	اول شخص جمع
شما شنیدید	أَنْتُمْ، أَنْتُمْ سَمِعْتُمْ	مثنی مذکر / مؤنث مخاطب	دوم شخص جمع
	أَنْتِنَ سَمِعْتِنَ	جمع مذکر / مؤنث مخاطب	
ایشان شنیدند	هُمَا، هُمَا سَمِعَا، سَمِعَتَا	مثنی مذکر / مؤنث غائب	سوم شخص جمع
	هُم سَمِعُوا، هُنَّ سَمِعْنَ	جمع مذکر / مؤنث غائب	

۲. **فعل مضارع:** فعلی است که بر انجام دادن کاری در زمان حال و یا آینده دلالت می‌کند. (يَذْهَبُ: می‌رود، تَجْلِسِينَ: می‌نشینید)

اگر یکی از حروف «أ، ت، ی، ن» بر سر فعل ماضی بیاید، فعل ماضی به فعل مضارع تبدیل می‌شود.

مانند: كَتَبَ ← يَكْتُبُ

فعل مضارع با «لا» منفی می‌شود. مانند: لا + يَرْقُدُ ← لَا يَرْقُدُ (نمی‌خوابد)

اگر بر سر فعل مضارع حروف «س، سَوْفَ» بیاید معنای فعل مضارع را به مستقبل (آینده) تبدیل می‌کنند.

مثال: س، سوف + يَسْأَلُ ← سَوْفَ يَسْأَلُ (خواهد پرسید)

فعل مضارع نهی: فعلی است که شخص را از انجام کاری باز می‌داریم و به او دستور می‌دهیم که آن کار را انجام ندهد.

شیوه ساخت: بر سر فعل مضارع «لا» می‌آید و تغییراتی در آخر فعل ایجاد می‌شود که با شکل‌های آن در جدولی که فعل مضارع

را صرف کرده‌ایم، آشنا می‌شوید.





جدول صرف فعل مضارع:

ترجمه	فعل مضارع نهی	ترجمه	فعل مضارع منفی	ترجمه	فعل مضارع	نام صیغه به فارسی و عربی	
—	—	نمی شنوم	لا أَسْمَعُ	من می شنوم	أَنَا أَسْمَعُ	متکلم و حده	اول شخص مفرد
نشو	لا تَسْمَعُ لا تَسْمَعِي	نمی شنوی	لا تَسْمَعُ لا تَسْمَعِينَ	تو می شنوی	أَنْتَ تَسْمَعُ	مفرد مذکر مخاطب	دوم شخص مفرد
					أَنْتِ تَسْمَعِينَ	مفرد مؤنث مخاطب	
		نمی شنود	لا يَسْمَعُ لا تَسْمَعُ	او می شنود	هُوَ يَسْمَعُ	مفرد مذکر غائب	سوم شخص مفرد
					هِيَ تَسْمَعُ	مفرد مؤنث غائب	
		نمی شنویم	لا نَسْمَعُ	ما می شنویم	نَحْنُ نَسْمَعُ	متکلم مع الغیر	اول شخص جمع
نشوید	لا تَسْمَعَا لا تَسْمَعَا لا تَسْمَعُوا لا تَسْمَعْنَ	نمی شنوید	لا تَسْمَعَانِ / لا تَسْمَعُونَ لا تَسْمَعْنَ	شما می شنوید	أَنْتُمَا، أَنْتُمَا تَسْمَعَانِ	مثنی مذکر / مؤنث مخاطب	دوم شخص جمع
					أَنْتُمْ تَسْمَعُونَ / أَنْتُنَّ تَسْمَعْنَ	جمع مذکر / مؤنث مخاطب	
		نمی شنوند	لا يَسْمَعَانِ / لا يَسْمَعُونَ لا يَسْمَعْنَ	ایشان می شنوند	هُمَا، هُمَا / يَسْمَعَانِ / تَسْمَعَانِ / هُم يَسْمَعُونَ / هُنَّ يَسْمَعْنَ	مثنی مذکر / مؤنث غائب جمع مذکر / مؤنث غائب	سوم شخص جمع

۱۳. **فعل امر:** فعلی است که دستور به انجام کاری می‌دهیم.
با دقت در افعال جدول زیر، وزن‌های فعل امر را خوب به خاطر بسپارید.

شخص	فعل مضارع	امر	ترجمه
دوم شخص مفرد	تَجْعَلُ (مذکر) تَجْعَلِينَ (مؤنث)	اجْعَلْ (مذکر) اجْعَلِي (مؤنث)	قرار بده
دوم شخص جمع	تَجْعَلَانِ (مثنی مذکر) تَجْعَلَانِ (مثنی مؤنث) تَجْعَلُونَ (جمع مذکر) تَجْعَلْنَ (جمع مؤنث)	اجْعَلَا (مثنی مذکر) اجْعَلَا (مثنی مؤنث) اجْعَلُوا (جمع مذکر) اجْعَلْنَ (جمع مؤنث)	قرار بدهید

ترکیب وصفی: از موصوف و صفت تشکیل می‌شود، موصوف اسمی است که برایش یک ویژگی می‌آوریم و آن ویژگی صفت نامیده می‌شود. مثال: عُمَالٌ مَجْتَهِدُونَ. (کارگرانی کوشا)

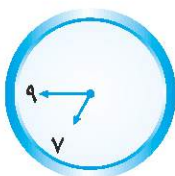
ترکیب اضافی: از مضاف و مضاف‌الیه تشکیل می‌شود، مضاف اسمی است که به اسم بعد از خودش (یعنی مضاف‌الیه) نسبت داده می‌شود. مثال: صِنَاعَةُ الْوَرَقِ. (صنعت کاغذ)

ساعت شماری: کم السَّاعَةُ الْآنَ؟ (اکنون ساعت چند است؟)

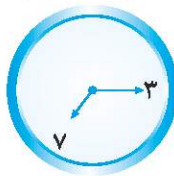
از چهار تصویر ساعت داده شده ساعت خوانی را یاد گرفتیم.



السَّاعَةُ وَالنِّصْفُ.
(هفت و نیم)



السَّاعَةُ إِلَّا رُبْعًا.
(یک ربع مانده به هفت)



السَّاعَةُ وَالرُّبْعُ.
(هفت و ربع)



السَّاعَةُ تَمَامًا.
(هفت کامل)

عددهای اصلی:

عدد	مذکر	مؤنث	عدد	مذکر	مؤنث	عدد	مذکر	مؤنث	عدد	مذکر	مؤنث
۱	واحد	واحدة	۲	اِثْنَانِ	اِثْنَتَانِ	۳	ثَلَاثِ	ثَلَاثَةٌ	۴	أَرْبَعِ	أَرْبَعَةٌ
۵	خَمْسِ	خَمْسَةٌ	۶	سِتِّ	سِتَّةٌ	۷	سَبْعِ	سَبْعَةٌ	۸	ثَمَانِي	ثَمَانِيَةٌ
۹	تِسْعِ	تِسْعَةٌ	۱۰	عَشْرِ	عَشْرَةٌ	۱۱	أَحَدَ عَشْرَ	إِحْدَى عَشْرَةَ	۱۲	اِثْنَا عَشْرَ	اِثْنَتَا عَشْرَةَ



عددهای ترتیبی:

عددهای ترتیبی حکم صفت را دارند و در جمله معمولاً صفت به شمار می‌روند.

عدد	مذکر	مؤنث	عدد	مذکر	مؤنث	عدد	مذکر	مؤنث	عدد	مذکر	مؤنث
۱	الأوّل	الأولى	۲	الثاني	الثانية	۳	الثالث	الثالثة	۴	الرابع	الرابعة
۵	الخامس	الخامسة	۶	السادس	السادسة	۷	السابع	السابعة	۸	الثامن	الثامنة
۹	التاسع	التاسعة	۱۰	العاشر	العاشرة	۱۱	الحادي عشر	الحادية عشرة	۱۲	الثاني عشر	الثانية عشرة

وزن و حروف اصلی

بسیاری از کلمه‌ها در عربی سه حرف دارند. مثال: حاکم (ح، ک، م) (حروف اصلی).
در کلماتی مانند «عالم، تعلیم، معلوم و ...» سه حرف «ع، ل، م» به ترتیب تکرار شده‌اند.
به این سه حرف «حروف اصلی» یا «ریشه» کلمه می‌گویند.

حروف اصلی کلمه به ترتیب با سه حرف «ف، ع، ل» سنجیده می‌شوند.

مثال: ناصر ← وزن فاعل
منصور ← وزن مفعول مفعول مفعول

نکته: معمولاً وزن «فاعل» به معنای «انجام دهنده یا دارنده حالت و وزن «مفعول» به معنای «انجام شده» است.

مثال: حامد: ستاینده / محمود: ستوده شده

روزهای هفته (أيام الأسبوع)

۱. يوم السبت: شنبه
۲. يوم الأحد: یکشنبه
۳. يوم الإثنين: دوشنبه
۴. يوم الثلاثاء: سه‌شنبه
۵. يوم الأربعاء: چهارشنبه
۶. يوم الخميس: پنج‌شنبه
۷. يوم الجمعة: جمعه

نام رنگ‌ها (اسم الألوان)

۱. أخضر (سبز)
۲. أبيض (سفید)
۳. أسود (سیاه)
۴. أحمر (قرمز)
۵. أزرق (آبی)
۶. أصفر (زرد)



پرسش‌های چهارگزینه‌ای

درس ۱

۱. عَيْنِ التَّرْجَمَةِ الصَّحِيحَةُ:

- ۱ ﴿رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ﴾: پروردگاران ما را همراه با گروه ستمگران قرار نمی‌دهد.
- ۲ «إِذَا مَلَكَ الْأَرَاذِلُ هَلَكَ الْأَفْضَلُ»: هرگاه فرومایگان به فرومانروایی رسیدند؛ شایستگان هلاک شدند.
- ۳ قَوْلُ «لَا أَعْلَمُ» نِصْفُ الْعِلْمِ: سخن ندانستن نیمه دیگری از دانش است.
- ۴ ﴿وَأَجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ﴾: و برایم زبان درستی در مورد دیگران قرار داده‌ای.

۲. عَيْنِ الْخَطَأِ فِي التَّرْجَمَةِ:

- ۱ وَ انْظُرْ إِلَى الشَّمْسِ الَّتِي جَذَوْتَهَا مُسْتَعْرَةً ← پاره آتش ۲ فَصَيَّرَ الْأَرْضَ بِهٖ بَعْدَ الْمَطَرِ خُضْرَهُ ← خشکی
- ۳ شَاهَدْتُ صَدِيقِي فِي قَاعَةِ الْمَطَارِ ← سالن ۴ نَأْكُلُ الْفُطُورَ فِي الصَّبَاحِ ← صبحانه

۳. «شَجَعْنَا صَدِيقَنَا الْفَائِزَ وَ شَكَرْنَا عَلَى لَعْبِهِ الْجَيِّدِ فِي الْمُسَابَقَةِ.» عَيْنِ الصَّحِيحِ:

- ۱ دوست برنده، ما را در مسابقه تشویق کرد و ما از او به خاطر کار خوبش سپاسگزاری کردیم.
- ۲ دوست برنده شده را تشویق می‌کنیم و از او به خاطر بازی خوبش در مسابقات تشکر می‌کنیم.
- ۳ دوست برنده‌مان را تشویق کردیم و از او به خاطر بازی خوبش در مسابقه تشکر کردیم.
- ۴ از دوست برنده‌مان در مسابقه تشکر کردیم و او را به بازی خوب تشویق کردیم.

۴. «هُؤُلَاءِ الْمَسَافِرُونَ كَانُوا يُشَاهِدُونَ الْمَدِينَةَ مِنْ خَلْفِ نَافِذَةِ الْحَافِلَةِ.» عَيْنِ الصَّحِيحِ:

- ۱ این‌ها مسافرانی بودند که شهر را از پشت شیشه قطار تماشا کردند.
- ۲ این مسافران از پشت پنجره اتوبوس، شهر را تماشا می‌کردند.
- ۳ این‌ها مسافران از پشت پنجره اتوبوس، شهر را تماشا می‌کنند.
- ۴ این مسافران از پشت پنجره‌های اتوبوس، شهر خود را تماشا می‌کردند.

۵. عَيْنِ الْمُنَاسِبِ لِتَكْمِيلِ التَّرْجَمَةِ: «أُضِدِّقَنَّ فِي حَيَاتِكُنَّ وَ لَا تَكْذِبِينَ أَبَدًا.» «در زندگی خود و هرگز

- | | |
|-----------------------------|-------------------------------------|
| ۱ راست گفتید - دروغ نگفتید | ۲ درستکار باشید - دروغ نمی‌گویید |
| ۳ راست بگویید - دروغ نگویید | ۴ صداقت داشته باشید - دروغگو نباشید |



۶. عَيْنَ الصَّحِيحِ فِي الْمَفْهُومِ «مَنْ زَرَعَ الْعُدْوَانَ حَصَدَ الْخُسْرَانَ.»:

۱ قطره قطره جمع گردد وانگهی دریا شود.

۲ هر کسی آن درود عاقبت کار که کشت.

۳ نخوردیم نان گندم دیدیم دست مردم.

۴ دشمن دانا که غم جان بود بهتر از آن دوست که نادان بود.

۷. ما هو الصحيح عن ترجمة الكلمات التي أُشير إليها بخط: «كان التَّعَارُفُ فِي يَوْمِ السَّبْتِ بَيْنَ هَؤُلَاءِ السَّائِحِينَ.»

۱ آشنا شدن با هم - دوشنبه - گردشگران

۲ مهمانی - یکشنبه - گردش کردن

۳ آشنایان - شنبه - گردشگری

۴ آشنایی با یکدیگر - شنبه - گردشگران

۸. عَيْنَ كَلِمَةٍ تُنَاسِبُ مَعْنَى هَذِهِ الْعِبَارَةِ: «بُخَارٌ مِتْرَاكُمُ فِي السَّمَاءِ يَنْزِلُ مِنْهُ الْمَطَرُ.»

۱ الشَّرْرَةُ ۲ حاسوب ۳ الغيم ۴ مَخْزَنٌ

۹. «كَانَ أَخِي الصَّغِيرُ يَلْعَبُ وَحْدَهُ فِي السَّاعَةِ التَّاسِعَةِ إِلَّا رُبْعًا.» عَيْنَ الصَّحِيحِ فِي التَّرْجُمَةِ:

۱ برادر من کوچک در ساعت یک ربع به هفت تنها بازی می‌کرد.

۲ برادرم که کوچک است در ساعت نه و ربع به تنهایی بازی خواهد کرد.

۳ کوچکترین برادرم در ساعت نه و ربع تنها بازی می‌کند.

۴ برادر کوچک من در ساعت یک ربع به نه به تنهایی بازی می‌کرد.

۱۰. عَيْنَ الْجَوَابِ الصَّحِيحِ: كَمْ السَّاعَةِ؟ السَّاعَةُ

۱ الثامنةُ و الربع.

۲ الثامنةُ و النصف.

۳ الثامنةُ إِلَّا رُبْعًا.

۴ الثانيةُ عَشْرَةَ تَمَامًا.

۱۱. عَيْنَ عِبَارَةٍ جَاءَ فِيهَا فِعْلٌ مُضَارِعٌ لِلنَّهْيِ:

۱ هَؤُلَاءِ النِّسَاءُ لَا يَدْخُلْنَ الْمَكْتَبَةَ

۲ لَا تَنْظُرُونَ إِلَى كَثْرَةِ صَوْمِهِمْ.

۳ أَيْتَهَا الْفَائِزَاتُ لَا تَصْرُخُنَّ أَبَدًا.

۴ لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ

۱۲. عَيْنَ الْفِعْلِ الَّذِي لَا يُنَاسِبُ الْأَفْعَالَ الْأُخْرَى فِي النَّوْعِ:

۱ تَصْعَدُونَ

۲ أَطْبِخُ

۳ شَكَرْتُنَّ

۴ نَهَرْتُ



١١٣. عَيِّنِ الخَطَأَ عن صيغة الأفعال التالية:

- ١ لا تَقْرَبِ هذه الشجرة ← مثنى مذکر مخاطب
 ٢ أنتم تَرَحْمُونَ ← جمع مؤنث مخاطب
 ٣ هم يَزْرَعُونَ ← جمع مذکر غائب
 ٤ أذهبُ إلى الصّف ← متكلّم وحده

١١٤. عَيِّنِ عبارة ما جاء فيها فعل أمر:

- ١ إجعلِ القلمَ هُنَا.
 ٢ إرْحَمُوا مَنْ في الأرض.
 ٣ أنظِرْ إلى الليل.
 ٤ أكتبُ الدرسَ بِدَقَّةٍ.

١١٥. عَيِّنِ المناسب للفراغ: « فوق المنضدة؟ كتابان و قلم واحد. »

- ١ كيف ٢ ماهو ٣ مَنْ هي ٤ أين

١١٦. عَيِّنِ الصحيح عن أوزان الكلمات التالية و حروفها الأصلية:

- ١ أكبر (ك، ب، ر)، مُحَمَّد (ح، م، د) (أفْعَل - مُفْعَل)
 ٢ لَاعِب (ل، ب، ع)، صَبَّار (ص، ا، ر) (فَاعِل - فَعَال)
 ٣ مِفْتَاح (ت، ا، ف)، نَصِير (ن، ص، ر) (مِفْعَال - فَعُول)
 ٤ مَقْدُور (ق، د، و)، سَعِيد (س، ع، د) (مَفْعُول - فِعَال)

١١٧. ما هو الضمير المناسب للفراغ: « طالبون في الصفّ العاشر. »

- ١ أنتن - هُنَّ - نحن
 ٢ أنا - أنتما - هما
 ٣ نحن - هُم - أنتم
 ٤ أنتم - أنتما - هم

١١٨. عَيِّنِ جواباً فيه أنواع الجمع:

- ١ الشوارع مزدحمة و كان المُسافرون منتظرين.
 ٢ أولئك البناتُ ذهبنَ إلى مساجد المدينة صباحاً.
 ٣ هؤلاء الفلاحون رَقَدوا تحت الشجرة نهاراً.
 ٤ يجمع الطالبون و الطالبات اللوازم الضرورية لسفرة علمية.

١١٩. عَيِّنِ عبارة ما جاء فيها من الأعداد الترتيبية:

- ١ لى ثلاثة أصدقاء في الصفّ التاسع.
 ٢ لهذه الشجرة عُصنانِ اثنان قصيران.
 ٣ في اليوم العاشر من هذا الشهر قرأتُ كتاباً واحداً.
 ٤ يلعبُ في القاعة الثانية عشرة لاعبين.

١٢٠. عَيِّنِ عبارة جاء فيها المتضاد:

- ١ جلس على اليسار و جلستُ فاطمة جنبه.
 ٢ أوجد المسافرُ غرفة رخيصة بين الغرفِ الغالية.
 ٣ قبل بداية السنة الدراسية شاهدتُ معلّمى.
 ٤ استخدام الجوّال في هذا المكان مسموح للحاضرين.

١٢١. عَيِّنِ الخَطَأَ عن استعمال الضمير:

- ١ يازميلي ما اسمك؟ اسمك حامد.
 ٢ مَنْ ذلك الولد؟ هو جارى.
 ٣ أين بيتكن؟ بيتنا قريب من الجامعة.
 ٤ هذان جنديان هما شجاعان.





٢٢٢. عَيْنِ الْفِعْلِ الْمُنَاسِبِ لِلْفِرَاقِ: «أَنْتِ سَيَّاحَةٌ.....» عَنِ الْقَرْيَةِ الْبَعِيدَةِ.

- ١ تَبَحَّثْنَا ٢ تَبَحَّثْنَا
٣ تَبَحَّثْنَا ٤ يَبْحَثُ

٢٢٣. عَيْنِ عِبْرَةٍ جَاءَ فِيهَا التَّرْكِيبُ الْوَصْفِيُّ:

- ١ اَعْمَلْ لِدُنْيَاكَ كَأَنَّكَ تَعِيشُ أَبَدًا.
٢ عَمَلُكَ جَيِّدٌ فَأَنَا أَشْكُرُكَ.
٣ «وَاجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ»
٤ شَجَعْتُ الطَّالِبَةَ الرَّاسِبَةَ عَلَى الْاجْتِهَادِ.

٢٢٤. عَيْنِ جَوَابٍ كُلِّ أَفْعَالِهِ فِي الزَّمَنِ الْمَاضِي:

- ١ أَوْجَدَ - نَمَتَ - أَنْزَلَ
٢ اِبْحَثْ - خَلَقَ - ارْجِعُوا
٣ شَاهَدْتُ - زَانَ - يُخْرِجُ
٤ شَجَّعَ - ضَعَّ - أُجِبُّ

٢٢٥. مَا هُوَ الْمُنَاسِبُ لْجَوَابِ هَذِهِ الْعِبْرَةِ: «كَمْ مَحَافِظَةً تَعْرِفُ؟.....»

- ١ فِي بَلَدِنَا ٢ أَرْبَعَةٌ ٣ مَسَاءً ٤ مِنْ أِيرَانَ

٢٢٦. عَيْنِ كَلِمَةٍ لَا تَنَاسِبُ الْكَلِمَاتِ الْآخَرَى فِي الْمَعْنَى:

- ١ الْغَيْمِ ٢ رِيحٍ ٣ مَطَرٍ ٤ صَحِيفَةٍ

٢٢٧. عَيْنِ جَوَابٍ مَا جَاءَ فِيهِ التَّرْكِيبُ الْإِضَافِيُّ:

- ١ اِبْحَثْ فِي الْإِنْتَرْنَتِ عَنْ نَصِّ قَصِيرٍ.
٢ اسْتَلَمَ الْمُسَافِرُ حَقِيبَتَهُ مِنَ الْمَخْزَنِ.
٣ شَلَّالٌ سَمِيرِمٌ فِي مَحَافِظَةِ إِصْفَهَانَ.
٤ لَوْنُ الشَّجَرِ الْأَخْضَرِ جَمِيلٌ جَدًّا.

٢٢٨. مَا هُوَ مَعْنَى «الْفُسْتَانِ»؟

- ١ كَوَكَبٌ يَدُورُ حَوْلَ الْأَرْضِ.
٢ مِنَ الْأَحْجَارِ الْجَمِيلَةِ الْغَالِيَةِ.
٣ مِنَ الْمَلَابِسِ النَّسَائِيَّةِ.
٤ قِطْعَةٌ مِنَ النَّارِ.

٢٢٩. «الْمُعَلِّمُ يُدْرَسُ لِلتَّلَامِيذِ دَرُوسًا جَدِيدَةً.» عَيْنِ غَيْرِ الْمُنَاسِبِ فِي السُّؤَالِ:

- ١ لِمَنْ يُدْرَسُ الْمُعَلِّمُ؟
٢ مَتَى الْمُعَلِّمُ يُدْرَسُ دَرُوسًا جَدِيدَةً؟
٣ مَا يُدْرَسُ الْمُعَلِّمُ؟
٤ مَنْ يُدْرَسُ دَرُوسًا جَدِيدَةً؟

٣٠٠. عَيْنِ الْخَطَأِ عَنِ نَوْعِ «لَا»:

- ١ أَلَا تَعْلَمُ بِأَنَّ اللَّهَ يَرَى أَعْمَالَ النَّاسِ؟! (نَافِيَةٌ)
٢ لَا يَنْجَحُ مَنْ لَا يَجْتَهِدُ. (نَافِيَةٌ)
٣ لَا تَحْقِرُوا كُلَّ مَنْ لَيْسَ لَهُ مَالٌ. (نَافِيَةٌ)
٤ لَا تَنْتَظِرُنَ النَّجَاحَ مِنَ الرَّاسِبِ. (نَافِيَةٌ)